

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۲ • ۱۰ صفر ۱۴۴۵ • ۲۷ آگوست ۲۰۲۳ • شماره ۴۶۲۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۴:۰۶ • اذان مغرب ۱۸:۵۸
اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۳۳

# شترت

دیالوگ روز

**جنگ جهانی سوم - هومن سیدی - ۱۳۹۷**

شکسب (محسن تائبنده): آقا چون من بی سوادم منو از گوشه میدون آوردین هرچی می‌کم دروغه، هرچی این می‌که راسته! گلکزدن من براتون راحت‌تر از گوش دادن به حرفامه؟

### خارجی خوانی

مرگ یوگنی بریگوزین

## حادثه یا قتل مشکوک سیاسی؟



محمود فاضلی

هوایمای شخصی یوگنی بریگوزین در شامگاه ۲۳ آگوست ۲۰۲۳ در منطقه Tver روسیه سقوط کرد و در نتیجه آن ۱۰ نفر جان باختند. به گفته مقامات هوانوردی روسیه، بریگوزین و دییمیتری اوتکین، یکی از فرماندهان ارشد گروه واگنر، در هوایمای سقوط‌کرده حضور داشتند.

**ازسلیت پوتین تاکذیب کرملین**

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، در دیدار با رئیس‌جمهوری خلق دوتنسک سقوط هوایمای بریگوزین را یک تراژدی خواند و مدعی شد «در رابطه با این سانحه هوایما، اول از همه می‌خواهم صمیمانه تسلیت خود را به خانواده‌های همه قربانیان ابراز کنم. این همیشه یک تراژدی است. اینها افرادی هستند که سهم درخور توجهی در تلاش‌های مشترک ما در مبارزه با رژیم نئونازی در اوکراین داشتند. آنها را در خاطره خود حفظ خواهیم کرد». پوتین بریگوزین را از اوایل دهه ۹۰ می‌شناخته و او را مردی با سرنوشت پیچیده‌ای می‌داند که اشتباهات جدی در زندگی‌اش مرتکب شده بود. «واگنر یک تاجر بااستعداد بود که نتایج عالی برای «هدف مشترک ما» کسب کرد. این چیزی است که من از او خواسته‌ام در چند ماه گذشته انجام دهد. او همچنین در خارج از کشور، عمدتاً در آفریقا، در زمینه نفت و گاز، فلزات گرانبها و سنگ‌ها فعال بود. تحقیقات اولیه در مورد این حادثه به‌طور کامل انجام خواهد شد». به دنبال تبلیغات وسیع رسانه‌های غربی مبنی بر احتمال دست‌داشتن کرملین در سقوط این هوایما، سخنگوی کرملین اعلام کرد «گمانه‌زنی‌های فراوانی درباره این فاجعه و مرگ درنداک مسافران این هوایما شده است. در غرب این گمانه‌زنی‌ها با جانبداری‌های خاصی مطرح می‌شود که همه اینها دروغ محض است. هنوز حقایق زیادی درباره سقوط هوایمای حامل بریگوزین به دست نیامده و باید منتظر انتشار نتیجه تحقیقات بود».

**یوگنی بریگوزین کیست؟**

یوگنی بریگوزین، یک تاجر موفق در بخش غذا، در سال ۲۰۱۶ گروه واگنر را تأسیس کرد. در ژوئن ۲۰۲۳ بریگوزین ارتش روسیه را متهم کرد که اردوگاه واگنر را با توپخانه گلوله‌باران کرده است. کمی بعد او اعلام کرد که می‌خواهد به مسکو لشکرکشی کند تا همان‌طور که گفته شد «افسران نظامی فاسد» را از پست‌های خود آزاد کند. پوتین، رئیس دولت روسیه، رسماً این روند را یک شورش و خنجر از پشت ازربایی کرد. الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهوری بلاروس، به‌عنوان یک میانجی مداخله کرد. قیام در عرض یک روز به پایان رسید. واحدهای واگنر که شرکت کردند با موافقت رسمی اعلام‌شده بریگوزین در بلاروس مستقر شدند. به بقیه گروه واگنر این فرصت داده شد تا وارد خدمت رسمی در ارتش روسیه شوند. بریگوزین در ۲۱ آگوست ۲۰۲۳ یک کلیپ ویدئویی منتشر کرد که به نظر می‌رسد آن را در آفریقا گرفته است. وی اعلام کرد که گروه واگنر دوباره در حال جذب جنگجو و انجام «عملیات جست‌وجو و شناسایی» علیه داعش، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی در قاره آفریقااست.

**مواضع مخالفان پوتین**

کشته‌شدن بریگوزین بار دیگر موضوع جان‌باختن مخالفان پوتین را در کانون توجه قرار داده است. کشته‌شدن منتقدان پوتین، منجر به واکنش‌های بین‌المللی می‌شود و آنها به‌طور تلویحی کاخ کرملین را مسئول آن حادثه معرفی می‌کنند. کاترین کولونا، وزیر خارجه فرانسه در مورد پایان عمر بریگوزین گفت: «آمار مرگومیر در میان اطرافیان پوتین به‌طور خاص بالاست. این یک فعالیت پرخطر محسوب می‌شود». مخالفان پوتین، مسئولیت مرگ بریگوزین را متوجه دولت روسیه می‌دانند. آنها اعتقاد دارند مخالفان پوتین در دو دهه گذشته به اشکال مختلف ازجمله شلیک گلوله، مسمومیت با پولونیوم و تماس با یک عامل عصبی جان‌باخته‌اند. جاسوس‌های دو جانبه، روزنامه‌نگاران و سیاست‌مداران ازجمله قربانیان این حوادث بودند. نزدیکان و خانواده آن دسته از مخالفان پوتین که به‌طور مشکوک کشته شدند، همواره انگشت اتهام را به سوی کرملین نشانه رفته‌اند. اما مقامات روسیه هرگونه دخالت در این حوادث را رد کرده‌اند. یکی از معروف‌ترین موارد ماجرای مسمومیت الکسی ناولی، منتقد سرشناس پوتین در سال ۲۰۲۰ است. او در پروازی که قرار بود از سبیری به مسکو برود، به‌شدت بیمار شد. ناولی دو روز بعد در حالی که به کما رفته بود به برلین آلمان منتقل شد. او در نهایت از این حادثه جان به در برد و هم‌اکنون در زندان است. پیوتر ورزیلوف، بنیان‌گذار گروه «پوسی رایوت»، یکی دیگر از رقبای سیاسی کرملین، در سال ۲۰۱۸ بیمار شد. پزشکان مسمومیت او را محتمل دانستند. او در نهایت از مرگ نجات یافت. ولادیمیر کاراموزوا، از مخالفان پوتین نیز مدعی است که در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ از دو مورد سوءقصد از طریق مسمومیت جان به در برده است. او اکنون به ۲۵ سال زندان محکوم شده است. یکی از سرشناس‌ترین قربانیان ترورهای سیاسی در روسیه، بوریس نمتسوف، معاون پیشین نخست‌وزیر این کشور در دوره بوریس یتلسین بود. او از منتقدان سیاست‌های پوتین محسوب می‌شد، اما در سال ۲۰۱۵ در نزدیکی کاخ کرملین به ضرب گلوله کشته شد. الکساندر لیتوینینکو، مأمور پیشین «کاکب» در سال ۲۰۰۶ به‌شدت در لندن بیمار شد؛ او با نوشیدن چای که به ماده رادیواکتیو «پولونیوم-۲۱۰» آلوده شده بود، مسموم شد. الکساندر لیتوینینکو سه هفته بعد در بیمارستان درگذشت. سرگنی اسکرکیپال و دخترش نیز در سال ۲۰۱۸ در انگلیس مسموم شدند. هر دو نفر برخلاف الکساندر لیتوینینکو زنده ماندند، اما حال آنها رضایت‌بخش نیست. شماری از روزنامه‌نگاران روس طی بیش از دو دهه گذشته به شکل مشکوکی جان باختند. آنا پولیتکوفسکا، خبرنگار روزنامه «نویا گازتا»، از جمله این روزنامه‌نگاران بود. وی درباره موارد نقض حقوق بشر در چین تحقیق کرده بود. یوری ششکوچین، یکی دیگر از روزنامه‌نگاران «نویا گازتا»، بیش از آن در سال ۲۰۰۳ جان باخته بود. او در حال تحقیق درباره فساد در معاملات تجاری و نقش احتمالی نیروهای امنیتی روسیه در انفجار سال ۱۹۹۹ بود که مسکو جنگجویان چین را مسئول آن معرفی کرد. بسیاری معتقدند او مسموم شده است. در حالی که نفوذ پهبادهای اوکراینی تا قلب مسکو نشانگر آسیب‌پذیربودن دفاع هوایی روسیه است، جنگ در اوکراین ادامه دارد. تحریم‌های اقتصادی غرب موجب کاهش ارزش روبل شده و درآمدهای نفتی روسیه نیز کاهش یافته. حادثه سقوط هوایمای بریگوزین شرایط روسیه را پیچیده‌تر کرده است.

# دایره تنگ فاتحان تلویزیون

کنار گذاشته شده‌اند و البته هواداران پرشماری دارند. موضوع رقابت هم دراین‌میان مهم است. کسی که عادت به رقابت داشته باشد، از مبارزه نمی‌ترسد؛ اما آن کسی که می‌ترسد، به حذف فکر می‌کند؛ چه برسد به شرایطی که در آن آموخته باشیم بدون رقابت و با رزومه ضعیف، با خودستایی می‌شود بالا آمد. اینها دریافته‌اند که برای حفظ جایگاه مستظهر به قدرت، هیچ نیازی به نظر مخاطب ندارند.

پیروزی شهسازی در ممانعت از دادن آنتن به گلزار ورشیدپور، حاوی نکته‌هایی بود؛ مسئولان رسانه ملی، هنوز تکلیف خود را نمی‌دانند؛ باج‌دادن و باج‌گرفتن در روابط رسانه ملی سهم دارد؛ بالاخره انتخابات، نیاز به رسانه فرایگر و معتبر را گوشزد کرده است؛ اهمیت توئیتر چه‌بسا از صداوسیما در میان مدیران بیشتر و بیانیه‌های توئیتری به مراتب فرایکتر است؛ برخلاف تصور، کشور اساساً یکدست نشده و یکدستی حاصل نمی‌شود و آنتی‌تز به‌سرعت از دل وضعیت موجود رشد می‌کند و دست آخر، استعداد به‌هم‌زدن بازی در اصولگرایان، کم از اصلاح‌طلبان نیست.

حکمرانی خوب، فارغ از نگاه ارزشی، آن وضعیت است که سیستم بتواند خود را با بخش وسیع‌تری از جامعه مرتبط کند و یکی از ابزارهای این ارتباط‌گیری، رسانه ملی است. شکاف میان مردم و دولت و در نتیجه بی‌اعتمادی فزاینده متقابل، اهمیت صداوسیما را دوچندان کرده و روال جاری در این رسانه بزرگ، در مسیر خطایی پیش می‌رود. می‌گویند تیم انقلابی، هنگام استقرار در جام جم، تصور می‌کرد با جشنواره جایی را فتح کردند، به ناگارا، مدترین وجه ممکن، اداره و تولید نارضایی می‌کنند.

یک سال از اندوخته تیم قبلی خوردند؛ مغرورانه برنامه‌ها را تعطیل کردند، سربال‌ها را متوقف کردند و گفتند انقلابی‌اش را می‌سازیم. کم‌کم محتوای آنتن برای دشمن وجود داشته باشد. حال برای احتراز از جاماندگی رسانه ملی، محتاج تصمیم اجرائی کلان، برای گذار از ایده کاملاً خطای خالص‌سازی و اتخاذ عقلانیت هستیم؛ وگرنه اشتقاق‌ها و افتراق‌ها تا جایی ادامه خواهد یافت که به قول بیدل دهلوی، «مرکز افتاد برون، بس که شد این دایره تنگ».

**افزایش تعداد روزنامه‌نگاران بازداشتی افغان:** فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران نگرانی عمیق خود را از افزایش ناکهانی خبرنگاران بازداشت‌شده در افغانستان ابراز کرده است. این بازداشت‌ها در ولایات کندز، ننگرهار و پکتیا صورت گرفته است. تیم داوسون، معاون دبیرکل فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، در این زمینه گفت: «در دو سال گذشته، رسانه‌های مستقل افغانستان به طور سیستماتیک تضعیف شده و مورد حمله قرار گرفته‌اند. این رفتار با تعهدات طالبان در تضاد آشکار است. دستگیری‌هایی از این دست، همه روزنامه‌نگاران را هراسان می‌کند و به نظر می‌رسد که برای خنثی‌کردن ظرفیت گزارشگری مستقل در افغانستان طراحی شده است. فدراسیون خواستار آزادی فوری هر چهار روزنامه‌نگار و برداشتن گام‌های مثبت برای تضمین تکرر رسانه‌ای در افغانستان است. اتحادیه روزنامه‌نگاران مستقل افغانستان نیز معتقد است که این اقدام نیروهای امنیتی، آزادی بیان در کشور را تضعیف خواهد کرد.

**عکاس تسنیم آزاد شد:**فارس، بلال کریمی، معاون سخنگوی طالبان، خبر داد که محمدحسین ولائی، عکاس خبرگزاری تسنیم، آزاد شده است. محمدحسین ولائی روز شنبه هفته گذشته و درحالی‌که قانونی و از طریق مرز هوایی وارد افغانستان شده و مدت ۱۰ روز نیز در کابل حضور داشت، در هنگام بازگشت به ایران و در فرودگاه کابل بدون هیچ‌گونه توضیح مشخصی بازداشت شد.

**درگذشت پسر یکاسو»:**کلود رونیز یکاسو، کوچک‌ترین پسر «پابلو یکاسو» که مدیریت میراث ارزشمند این هنرمند نامدار اسپانیایی را برعهده داشت، در ۷۶سالگی در سوئیس درگذشت.

**خرید نمک:**پس از آنکه ژاپن شروع به ریختن آب رادیواکتیو از نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما به اقیانوس آرام کرد، «هجوم نمک» آغاز شد. پیش‌ازاین، دولت چین واردات تمام محصولات آبرزی از ژاپن را ممنوع کرده بود؛ زیرا مقامات ژاپنی قادر به اثبات ایمنی آب تخلیه‌شده نبودند. چینی‌ها نگران هستند که نمک خوراکی دریا به‌زودی با تشعشعات هسته‌ای آلوده شود.



♦ بارش ۱۰ دقیقه‌ای باران در بجنورد باعث به راه افتادن رواناب و جاری‌شدن سیل و آب‌گرفتگی مغازه‌های سطح شهر و اختلال در رفت وآمد مردم و خودروها شد. عکس:حسین معمری،فارس

### دغدغه‌خوانی

## مولدسازی دارایی‌های نهاد آموزش



محمدرضا نیک‌نژاد

آموزگار

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور می‌گوید: «تا امروز ۵۴۰ ملک مازاد در آموزش‌وپروورش شناسایی شده و ۳۴۱ ملک در فرایند ارزش‌افزایی قرار گرفته است…امسلاک مازاد در آموزش و پرورش شامل املاکی می‌شوند که واقعا استفاده آموزشی از آنها نمی‌شود. مولد نیز به ملکی گفته می‌شود که ما می‌خواهیم آن را استانداردسازی کنیم، یعنی مدرسه‌ای را مثلاً تخریب می‌کنیم و از محل مولدسازی برای بازسازی چنین مدرسه‌ای تأمین اعتبار می‌کنیم… فرایند مولدسازی سه مرحله دارد: ارزش‌افزایی، ارزش‌گذاری و عرضه. در مرحله عرضه که آخرین مرحله است، ملک در سامانه ثبت با بالاترین قیمت رقابت می‌کند و فروخته می‌شود. البته گاهی املاک فروخته نمی‌شود بلکه نهایت انجام می‌دهیم. پول فروش این املاک فقط در حوزه مدرسه یا مدرسه‌سازی یا نوسازی مدرسه به کار می‌رود».

گرچه چند ماهی هست که مولدسازی دارایی‌های دولت بُرد رسانه‌ای خود را از دست داده اما گویا دست‌اندرکاران آموزشی کشور کمربندهای خود را محکم بسته و استین‌ها را بالا زده و به شدت درگیر این مصوبه‌اند! شوربوختانه گویا داستان مولدسازی نیز همانند خصوصی‌سازی در دوران سازندگی شده که کوتاه‌ترین دیوار در آن دوران نیز آموزش‌وپرورش بود و اجرای پولی‌سازی در آموزش، نخستین خاکریز آن دولت در خصوصی‌سازی؛ گرچه این روند در بسیاری از کشورهای پرچمدار لیبرالیسم وارونه بوده و در روند خصوصی‌سازی، آموزش به سبب خیر عمومی نهفته در آن، واپسین نهادی بوده که پولی‌سازی را تجربه کرده و هنوز هم در سطح جهان با اماورگانه‌ی دست‌اندا‌زهای جدی همراه است و همچنان در لیبرال‌ترین کشورها درصد اندکی از مدرسه‌ها پولی به شمار می‌آیند.

گمانی نیست که مولدسازی در کل و در صورت اجرای درست می‌تواند سروسامانی به دارایی‌های دولت بدهد اما این مصوبه دست‌کم در نهاد آموزش باید با وسواس و بایش موشکافانه دنبال و اجرا شود. آموزش‌وپرورش نهادی عمومی است که دارایی‌های آن نه از آن دولت‌ها بلکه دارایی ملی به شمار می‌آیند. با توجه به درآمدهای مالیاتی، فروش منابع و دیگر درآمدها، دولت‌ها به تنهایی باید فراهم‌کننده شرایط آموزش رایگان، ساماندهی و بالابردن کیفیت آن در مدرسه‌ها باشند و در حقیقت در این زمینه وظیفه‌مند بوده و هیچ منتی بر کسی ندارند. بنابراین همچنان که دولت‌ها در برقراری چنین شرایطی باید متعهد باشند، مولدسازی در نهاد آموزش نیز باید به درستی، با شفافیت و بایش عمومی انجام گیرد و گزارش کوچک‌ترین کارها در این زمینه به آگاهی عموم رسانده شود.

برگردیم به سخنان رئیس سازمان نوسازی مدرسه‌ها. درباره این سخنان پرسش‌هایی مطرح می‌شود؛ برای نمونه: چه کسی تشخیص داده این املاک مازاد هستند؟ آیا امکان دارد سیاهه این ملک‌ها را به آگاهی عموم رساند؟ این ملک‌ها در کجا قرار دارند، یعنی در کلان‌شهرها هستند یا شهرستان؟ مدرسه بوده‌اند یا مکان‌هایی مانند ساختمان اداری، ورزشی، فرهنگی یا…؟ آیا مازاد اعلام‌شدن این املاک، بیوندی با موقعیت تجاری آنها دارد؟ قیمت رقابتی را چه کسی تعیین، چه کسی بر آن نظارت و چه فرد و یا نهادی در رقابت برای خرید آن شرکت کرده یا می‌کند؟ و…

اگر خبرهای وابسته به مولدسازی در آموزش‌وپرورش را در کنار خبرهایی بگذاریم که ده‌گاه از مدرسه‌ها با موقعیت تجاری در تهران و شهرستان‌ها شنیده می‌شود، جورجین نگران‌کننده‌ای پیش‌چشمان‌مان شکل می‌گیرد! همین چند ماه پیش بود که رسانه‌ها از تعطیلی چند مدرسه در منطقه سه تهران (نزدیکی های میدان ونک) با موقعیت تجاری خبر دادند که به بهانه کاهش دانش‌آموز در آستانه واگذاری هستند. با خبرهایی از فروش یا اجاره به مدرسه‌هایی که در مراکز شهری قرار دارند و یا واگذاری بخشی از مدرسه‌ها، از آن میان حیاط آنها، به بخش خصوصی که می‌توانند برای مدرسه، آموزش‌وپرورش و دولت درآمدزایی کنند؛ و با رقابت آسیب‌زا و البته مورد تشویق مدیران مناطق آموزشی سراسر کشور برای مازاد اعلام‌کردن مکان‌های آموزشی در گستره مدیریت خویش و افتخارکردن به آن؛ و یا…

باید به مدیران آموزشی کشور هشدار داد که، به کجا چنین شتابان؟! از سویی املاک آموزش‌وپرورش دارایی‌های عمومی هستند و در حالی که در بسیاری از مناطق شهری با تراکم بالای ۳۰-۴۰ نفره دانش‌آموزان روبه‌رو هستیم، فروش، واگذاری و مولدسازی املاک این سازمان، بسیار پرسش‌برانگیز و نگران‌کننده است. از دیگر سواط‌اط‌رسانی قطره‌چکانی در این زمینه خطر خطا، منحرف‌شدن و سوءاستفاده را چنان افزایش می‌دهد که اگر سودی هم در مولدسازی نهفته باشد، کارایی چندانی برای ساختار آموزشی و نسل‌های پی‌درپی دانش‌آموزان نداشته و در آخر شاهد به هدررفتن دارایی‌های عمومی این نهاد بزرگ و تأثیرگذار خواهیم بود.